

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران

به نقل از کیهان

خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان : «آذربایجان برای اسرائیل اهمیت ویژه ای دارد و ما برای خود در این کشور موقعیت ویژه ای قابل هستیم» این گوشه ای از سخنان «اویگدور لیبرمن» رئیس حزب صهیونیستی «اسرائیل بیتنا» و وزیر خارجه این رژیم است که در یک جلسه خصوصی با حضور بعضی از مقامات جمهوری آذربایجان بیان شده و توسط یکی از اعضای این جلسه به یک نشریه داخلی آذربایجان درز کرده است.

آذربایجان کشوری است با 9 میلیون نفر جمعیت و حدود 84 درصد شیعه و کاملاً واضح است که میان باکو و تل آویو نمی تواند رابطه ای گرم برقرار شود چه رسد به اینکه به قول لیبرمن این رابطه به «موقعیت ویژه» برای رژیم صهیونیستی بدل گردد اما متأسفانه همه شواهد و قرائن بیانگر آن است که این رابطه علیرغم احساسات شدید ضداسرائیلی مردم آذربایجان بصورتی «استراتژیک» وجود دارد و علی الظاهر دو طرف برای توسعه این رابطه توافق کرده اند.

رابطه باکو- تل آویو بدون سرکوب شدید مردم مظلوم آذربایجان میسر نمی باشد و همه خبرها از سرکوب شدید شیعیان حکایت می کند. دولت باکو در تابستان سال گذشته دو مسجد شیعیان- مسجد حضرت رسول(ص) و مسجد نفت داشی- که از معدود مساجد باقی مانده شیعیان در باکو بود را تخریب کرد و هم اکنون سرگرم تخریب مسجد حضرت فاطمه-س- است. جالب این است که این مسجد جزو معدود مساجدی است که در دوره ریاست جمهوری حیدرعلی اف در باکو ساخته شده است. تاکنون شکایت مردم مسلمان این کشور به جایی نرسیده و حتی دادگاه عالی باکو حکم تخریب مسجد توسط فرمانداری باکو را تنفیذ کرده است.

در خصوص آنچه در جمهوری آذربایجان می گذرد گفتنی هایی وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

1- مردم آذربایجان از سال 1924م- 1303ش- تا سال 1991 م- 1370ش- در زیر سلطه یک نظام الحادی قرار داشتند. در 30 سال اخیر یعنی دهه های 70 تا 90 خاندان «علی اف» از طرف حزب کمونیست شوروی بر آذربایجان سیطره داشتند. حیدرعلی اف در دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی- پولیت بورو- موقعیت برجسته ای داشت و سالها نفر اول این دفتر و معاون نخست وزیر روسیه بود. بعد از استقلال آذربایجان در 8 شهریور 1370 برای مدت کوتاهی جمهوری آذربایجان از سیطره خاندان علی اف خارج شد ولی به زودی و با استفاده از نفوذ خاندان و حمایت مشترک آمریکا و روسیه، حیدر علی اف ابوالفضل ایلچی بیگ را در ژوئن 1993 سرنگون کرد و خود زمام امور را به دست گرفت. او تا 31 اکتبر 2003 یعنی تا زمان مرگش پست ریاست جمهوری را در دست داشت و بعد از او فرزندش الهام علی اف به ریاست جمهوری رسید.

حیدرعلی اف در طول دوره ریاست جمهوری اش وانمود می کرد که رابطه متوازی با روسیه و آمریکا دارد ولی نوعاً به آمریکا بیشتر گرایش داشت از این رو این جمهوری اولین کشور تازه استقلال یافته ای بود که پایگاههای ثابتی را در اختیار آمریکا گذاشت، چتر اطلاعاتی رژیم صهیونیستی را در منطقه باز کرد و تا آنجا پیش رفت که پایگاه اطلاعاتی-مخابراتی گابله-قبله- را برای بسط سیطره اطلاعاتی CIA در منطقه قفقاز به آمریکایی ها سپرد. در یک مقطع دولت علی اف تلاش کرد تا پای ناوگان جنگی ناتو را به دریای بسته خزر باز کند که با واکنش شدید روسیه و ایران از این اقدام منصرف گردید. حیدرعلی اف در 3 سال اول ریاست جمهوری خود دوبار با کودتا - از سوی روشن جواداف و صورت حسین اف- مواجه گردید ولی با استفاده از اطلاعاتی که CIA در اختیار او گذاشت توانست آنان را سرکوب نماید. در واقع خاندان علی اف با استفاده از کمک موثر آمریکا توانستند تاج و تخت خود را به قیمت حراج جمهوری آذربایجان حفظ نمایند بر این اساس ستیز باکو با مذهب مردم و تبلیغات ضدایرانی این رژیم، ماهیت سفارشی دارد.

2- نفوذ رژیم صهیونیستی در این کشور بیش از آن مقدار است که به ظاهر تصور می شود. اگر سفری به جمهوری آذربایجان داشته باشید به یک روستای بسیار پیشرفته می رسید که نه تنها با سایر روستاهای این کشور که حتی با شهرهای این کشور هم کاملاً متفاوت است. اسرائیلی ها روستای یهودی نشین «قرمزی قصبه» را آنگونه ساخته اند که آرزوی هر شهروند آذری این کشور، سکونت در این روستا باشد. این روستا از نظر آبادانی تنه به «باکو» مرکز این جمهوری می زند و این حرکت کاملاً معنادار است. سیطره صهیونیست ها بر دولت باکو این جمهوری را به سمت مقابله خشن با مردم خویش و معارضة با مهمترین همسایه خود -ایران- که نزد مردمش «مام میهن» به حساب می آید، کشانده است.

3- ماهیت لائیک دولت باکو، معارضة مردم با این رژیم را تشدید کرده است براین اساس دولت علی اف هرگونه آزادی مذهبی در این کشور را برای بقاء خود ویرانگر به حساب می آورد. از نظر الهام علی اف که اینک 7 سال است بدون مراجعه واقعی به آراء مردم بر این کشور سیطره دارد، مسجد و مأذنه را باید بدون ملاحظه ویران کرد چرا که با ماهیت ضد مذهبی خاندان حاکم نمی سازد. اما با وجود همه فشارهای حکومتی، رشد فعالیت های مذهبی در این کشور چشمگیر بوده است. روز عاشورای سال گذشته، آذربایجان صحنه صف آرای مردم علیه حکومت علی اف بود. مردم بخصوص از پخش جزوه هایی که صهیونیست ها در آذربایجان با استفاده از همراهی دولت علیه اسلام و مذهب شیعه پخش می کنند، عصبانی و خواستار قطع رابطه آذربایجان با رژیم صهیونیستی بودند.

4- جمهوری آذربایجان در طول سال های گذشته تبلیغات پان ترکی خود را برای توقف فعالیت های اسلام گراها در این کشور تشدید کرده است تا جایی که در بعضی از کتب درسی ایران را به اشغال! «آذربایجان جنوبی»! متهم کرده و بر آن تاکید می کند اما این تبلیغات تاثیر

عمده ای بر جای نگذاشته است وجود يك دولت اسلام گرای ایرانی در تهران و وجود يك دولت اسلام گرای ترك در آنکارا چنین تبلیغاتی را ناکارآمد کرده است. آذربایجان از ناحیه همسایگان خود در يك وضعیت انزوا بسر می برد از يك طرف ایران و روسیه از روابط خاص باکو با دولت آمریکا ناراضی اند از سوی دیگر ترکیه روابط آذربایجان با تل آویو را نمی پسندد. از سوی دیگر با جمهوری ارمنستان در شرایط جنگی به سر می برد و ضعف دولت متحد باکو در گرجستان، دولت باکو را با بن بست مواجه کرده است. امروزه این سؤال فرا روی تحلیلگران قرار دارد که با وجود تضاد رو به ازدیاد دولت با مردم و با وجود گسست آذربایجان در محیط منطقه ای، آیا دولت علی اف دوام خواهد آورد؟

جمهوری آذربایجان برای فرار از این سرنوشت، به ایدئولوژی پان ترکی دامن می زند و به رژیم مشابهِ رژیم خود یعنی اسرائیل- از نظر ستیز با شهروندان مسلمان و گسست در محیط منطقه ای- برای بقاء متوسل گردیده است! جالب این است که الهام علی اف نتوانسته وضع رو به فروپاشی رژیم صهیونیستی را درک کند و از مشابه شدن با آن اجتناب نماید.

5- موضوع آذربایجان به کشور و ملت ما ربط دارد از يك طرف جمهوری آذربایجان همسایه ماست و وضع امنیتی آن بر امنیت ما اثر می گذارد. از سوی دیگر مردم مظلوم این کشور بیش از همه به مردم ما به دلیل سابقه تاریخی چشم دوخته و از آن توقع حمایت دارند و نهایتاً ایران بعنوان ام القرای جهان اسلام نمی تواند اقدامات ضد مذهبی دولت های دیگر را نادیده بگیرد و حداقل به محکوم کردن زبانی آن نپردازد.

اما متأسفانه درست در کشاکش بحث تخریب مساجد و آزار شیعیان و تبلیغات وسیع ضد ایرانی محافل خبری و سیاسی آذربایجان، وزیر کشور ایران- آقای مصطفی محمد نجار- به باکو سفر کرد و بر رو به توسعه بودن مناسبات دو کشور- که واقعیت ندارد- تاکید کرد. این سفر بسیار نابهنگام بود و علی الظاهر به دلیل عدم فعالیت جدی سفارتخانه ما در باکو، اطلاعات لازم به وزیر کشور داده نشد. سفر آقای نجار از يك سو دلخوری شیعیان مظلوم را در پی داشت و از سوی دیگر می تواند این توهم را در مقامات جمهوری آذربایجان پدید آورد که نه تخریب مساجد! و نه آزار شیعیان و نه تبلیغات ضد ایرانی تاثیری بر مناسبات ایران با آذربایجان نمی گذارد!

سفر محمدنجار بدون آنکه واقعاً با این هدف تنظیم شده باشد، این تلقی را در آذربایجان به وجود آورد که ایران از سیاست خود مبنی بر حمایت از مظلومان فاصله گرفته است و حال آنکه این سفر و نابهنگام بودن آن ارتباطی با سیاست بنیادی جمهوری اسلامی ندارد.

اما به هر حال بنظر می آید ما در کنار احترام به حق حاکمیت کشورها بر سرزمین خود باید از رسالت دینی خود در قبال هموعان و هم کیشان نیز غافل نباشیم. مسلماً منافع ملی درازمدت ما اقتضا می کند که از اهرم های خود برای دفاع از حقوق شناخته شده ملت ها استفاده نماییم.